سرآمد اقتصاد
دوشنبه-۱۲مرداد ۱۴۰۵-سال دوازدهم-شماره ۲۵۵۱

«سرآمد» بررسی می‌کند؛

«آمریکا، عراق» و معمای دور زدن تحریم‌ها

چگونه آمریکا با انقلاب بانکی عراق، پرونده تأمین مالی ایران را مختومه کرد

گروه اقتصاد - امید ایرانی - در دل دگرگونی‌های ژئوپلیتیک خاورمیانه، کمتر رویدادی به اندازه تحول پنهان اما بنیادین نظام تأمین ارز عراق، برای معادلات منطقه‌ای سرنوشت‌ساز بوده است. آنچه از اواخر سال ۲۰۲۲ میلادی در بستر پیچیده مبادلات مالی این کشور روی داده، نه یک اصلاح اداری ساده، که نقشه‌ای دقیق و چندلایه از سوی ایالات متحده برای بازتعریف کامل قواعد بازی در یکی از حساسترین بازارهای ارزی غرب آسیاست. این طرح نوین، که با پشتوانه قوانین سخت‌گیرانه ضدپولشویی و سازوکارهای نظارتی بی‌سابقه طراحی شده، هدفی فراتر از شفاف‌سازی صرف را دنبال می‌کند؛ هدفی که در کانون آن، محدودسازی هرچه بیشتر توانایی ایران برای دور زدن شبکه تحریم‌ها از طریق کانال‌های مالی همسایه غربی‌اش قرار دارد. این نوشتار، با کندوکاو در لایه‌های پنهان این دگردیسی ارزی، ابعاد راهبردی آن را برای بازیگران منطقه‌ای و جهانی به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که چگونه واشنگتن، با بهره‌گیری از اهرم‌های مالی خود، در حال بستن تدریجی روزنه‌هایی است که سال‌ها، شریان حیاتی تأمین مالی گروه‌های نیابتی و اقتصاد مقاومتی تهران به شمار می‌رفت.

برای درک عمق این تحول، ناگزیر باید به عقب بازگشت و ساختار سنتی بازار ارز عراق را پیش از سال ۲۰۲۲ مورد واکاوی قرار داد. عراق، به عنوان دومین تولیدکننده بزرگ نفت اوپک، سال‌ها درآمدهای ارزی هنگفتی را از صادرات نفت خود کسب می‌کرد، اما این درآمدها، به موجب توافقات بین‌المللی پس از سقوط صدام‌حسین، مستقیماً به حساب بانک مرکزی این کشور در فدرال رزرو نیویورک واریز می‌شد. این وابستگی ساختاری، گرچه برای تأمین ثبات اقتصاد عراق ضروری بود، اما در عمل، اهرمی بی‌نظیر در اختیار ایالات متحده قرار می‌داد تا جریان خروج دلار از این کشور را کنترل کند. در چنین شرایطی، بانک مرکزی عراق روزانه از طریق سامانه حراج ارز، دلارهای مورد نیاز بانک‌ها و صرافی‌ها را تأمین می‌کرد و این دلارها، پس از طی مسیری نسبتاً غیرشفاف، به دست واردکنندگان کالاهای اساسی و نیز، در بسیاری از موارد، به شبکه‌های مالی غیررسمی می‌رسید. کارشناسان مالی بین‌المللی همواره نسبت به وجود حفره‌های بزرگ در این سیستم هشدار می‌دادند و معتقد بودند که حجم قابل توجهی از این دلارها، به جای تأمین نیازهای واقعی تجاری، صرف تأمین مالی گروه‌های نیابتی ایران در منطقه یا قاچاق کالا و ارز به کشور همسایه می‌شود. این کاستی‌ها، در کنار نبود شفافیت در شناسایی ذی‌نفعان نهایی تراکنش‌ها، عملاً عراق را به بهشتی برای پولشویی و فرار مالیاتی تبدیل کرده بود و همین امر، خشم نهادهای نظارتی غربی، به ویژه وزارت خزانه‌داری آمریکا را برانگیخت.

نقطه عطف این ماجرا، به ماه نوامبر سال ۲۰۲۲ بازمی‌گردد، زمانی که بانک مرکزی عراق، تحت فشار فزاینده واشنگتن و با اعمال قواعد جدید انتقال ارز، اعلام کرد که تمامی درخواست‌های نقل‌وانتقال دلار، باید از صافی سخت‌گیرانه‌تری عبور کنند. در این نظام نوپا، هر بانک تجاری عراقی موظف شد تا اطلاعات کامل مربوط به خریدار، فروشنده، ماهیت کالا و شماره گمرکی محموله را در سامانه‌ای برخط و تحت نظارت مستقیم فدرال رزرو ثبت کند. هرگونه نقص یا ابهام در این داده‌ها، به خودی خود، موجبات رد درخواست را فراهم می‌آورد و این به معنای پایان دوران حراج بی‌قیدوشرط دلار بود. نتیجه این اصلاحیه، چنانکه آمارهای رسمی نشان می‌دهد، در ابتدا با شوکی عظیم برای فعالان اقتصادی همراه شد؛ به‌گونه‌ای که نزدیک به هشتاد درصد از درخواست‌های انتقال ارز، در هفته‌های نخست، با پاسخ منفی مواجه گردیدند و بسیاری از بازرگانانی که عادت به معاملات سنتی و غیررسمی داشتند، به یکباره با بحران تأمین ارز برای واردات کالاهای خود روبرو شدند. این نسبت شگفت‌انگیز از رد درخواست‌ها، که گویای نفوذ عمیق روش‌های غیرمتعارف در بافت اقتصاد عراق بود، به تدریج و با گذشت یک سال، به کمتر از پانزده درصد کاهش یافت. این کاهش چشمگیر، نشان‌دهنده سازگاری اجباری نظام بانکی عراق با استانداردهای جدید و نیز خروج تدریجی نهادها و اشخاص متخلفی بود که نمی‌توانستند گردش کار خود را با شفافیت مورد نظر واشنگتن هماهنگ سازند.

اما این فقط آغازی بر یک دگردیسی عمیق‌تر به شمار می‌رفت. ایالات متحده، با درک این نکته که صرف تشدید نظارت بر درخواست‌ها، نمی‌تواند به طور کامل، ریشه‌های تأمین مالی غیررسمی را بخشکاند، گام بعدی را با هدف حذف کامل واسطه‌ها و غیرشفاف‌سازی‌های موجود برداشت. در طول سال ۲۰۲٤، سهم عظیمی از فرآیند انتقال ارز، معادل نود و پنج درصد، به روابط مستقیم و مبتنی بر حساب‌های کارگزار بانکی میان بانک‌های عراقی و بانک‌های بزرگ کارگزار خارجی، نظیر جی‌پی‌مورگان و سیتی‌بانک، منتقل گردید. این تغییر راهبردی، به معنای پایان یافتن اتکای صرف به حراج روزانه دلار و جایگزینی آن با شبکه‌ای بانکی، ثبت‌شده و کاملاً شفاف بود که از همان ابتدا، برای تمامی معاملات قانونی تجارت خارجی عراق، به عنوان مسیر اجباری تأمین ارز طراحی شده بود. در واقع، از آغاز سال ۲۰۲۵ میلادی، تمامی نقل‌وانتقالات ارزی مرتبط با واردات کالاهای اساسی و غیراساسی، تنها از همین کانال رسمی و مستقیم امکان‌پذیر گردید و دیگر هیچ بانک یا مؤسسه مالی عراقی اجازه استفاده از روش‌های قدیمی حراج را نداشت. این دگرگونی، جریان دلار عراق را از یک شبکه متکی بر اسکناس فیزیکی، صرافی‌های خیابانی و پنجره‌های فروش ارز دولتی، به ساختاری کاملاً دیجیتال و رصدپذیر هدایت کرد که در آن، هر معامله، پیش از هرگونه اقدام عملیاتی، از فیلتر نهادهای ناظر بین‌المللی عبور می‌کرد و ردپایی غیرقابل انکار از خود برجای می‌گذاشت.

در پس پرده این تغییرات ساختاری، سلاح‌های بازدارنده آمریکا در قالب تحریم‌های هدفمند و مقطعی علیه بانک‌های عراقی، نقشی کلیدی و تعیین‌کننده ایفا کرده است. تاریخچه این اقدامات تنبیهی، نشان‌دهنده فشاری مداوم و فزاینده است که از سال ۲۰۱۸ و با خروج ایالات متحده از برجام، آغاز شد و با اوج‌گیری تنش‌ها میان تهران و واشنگتن، به اخراج تدریجی بانک‌های عراقی از سیستم مالی جهانی انجامید. یک نمونه بارز از این رویکرد، در ماه ژوئیه سال ۲۰۲۳ رخ داد، زمانی که چهارده بانک عراقی، از جمله بانک‌های الهدی، عربی اسلامی و بغداد، به اتهام «تسهیل قاچاق دلار به ایران و سوریه و نیز پولشویی گسترده» از دسترسی به دلار آمریکا محروم شدند. این اقدام، ضربه‌ای مهلک به اعتبار این نهادهای مالی وارد آورد و بسیاری از مشتریان آن‌ها، به یکباره، امکان انجام تراکنش‌های بین‌المللی خود را از دست دادند. اما روند تحریم‌ها به همین جا ختم نشد؛ در فوریه سال ۲۰۲٤، لیست تحریم‌ها با افزودن هشت بانک دیگر، از جمله اشور اینترنشنال و یونیون بانک، گسترش یافت و عملاً نیمی از شبکه بانکی عراق را در بر گرفت. به‌روایت منابع معتبر مالی، تقریباً سی و شش بانک از هفتاد و دو بانک فعال در عراق، طی این سال‌ها، به نحوی مشمول محدودیت‌های آمریکا شده‌اند و این آمار بالا، درس بسیار بزرگی برای دیگر نهادهای مالی این کشور در مورد هزینه‌های گزاف همکاری با ایران بوده است. در مقابل، در ژوئیه ۲۰۲۵ و پس از ماه‌ها مذاکره و انجام اصلاحات داخلی، نخست‌وزیر عراق از رفع ممنوعیت هفت بانک از این لیست سیاه خبر داد که نشان‌دهنده تأثیرگذاری برنامه‌های اصلاحی بانک مرکزی و تعهد نسبی این نهادها به پایبندی به قوانین بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم است. با این حال، همین نوسان میان تحریم و رفع تحریم، خود به تنهایی، اهرمی قدرتمند برای واشنگتن فراهم می‌آورد تا همواره بانک‌های عراقی را در حالت هشدار و آماده‌باش کامل نگه دارد.

با این حال، آنچه به این محدودیت‌ها، عمق و دوام می‌بخشد، وابستگی حیاتی اقتصاد عراق به درآمدهای نفتی خود و ساختار خاص تسویه این وجوه است. بر اساس قوانین بین‌المللی و توافقات دیرپای پس از جنگ خلیج‌فارس، تمامی عواید حاصل از فروش نفت عراق، که به طور میانگین سالانه بیش از صد میلیارد دلار برآورد می‌شود، مستقیماً به حساب بانک مرکزی این کشور در فدرال رزرو نیویورک واریز می‌شود و عملاً در تملک و نظارت مستقیم دولت آمریکا قرار دارد. این ذخایر عظیم ارزی که بخش اعظم دارایی‌های خارجی عراق را تشکیل می‌دهند، نه تنها به عنوان پشتوانه پول ملی این کشور عمل می‌کنند، بلکه تنها منبع قابل اعتماد برای تأمین ارز مورد نیاز واردات کالاهای اساسی عراق، از جمله گندم، دارو و سوخت، به شمار می‌روند. این وابستگی ساختاری، به معنای آن است که حتی تهدید ساده به‌تعویق‌انداختن یا مسدودسازی موقتی این وجوه توسط دولت آمریکا، می‌تواند به بحرانی تمام‌عیار در معیشت روزمره شهروندان عراقی منجر شود و ثبات سیاسی این کشور آسیب‌پذیر را به لرزه درآورد. به همین دلیل، واشنگتن با اطمینان کامل از این اهرم فشار، توانسته است خطوط قرمز خود را در مورد هرگونه تعامل مالی با ایران، به عنوان اصولی غیرقابل تغییر و مذاکره‌ناپذیر به بانک مرکزی عراق دیکته کند و عملاً، اختیار مانور این نهاد را در زمینه تأمین ارز گروه‌های نزدیک به تهران، به صفر برساند.

پیامدهای عینی این تحول گسترده، به مراتب فراتر از اصلاح صرف نظام بانکی عراق است و در عرصه اقتصاد ایران نیز بازتابی عمیق و شگرف داشته است. پیش از اجرای این قواعد جدید، بخش قابل توجهی از صادرات غیرنفتی ایران به عراق، که شامل محصولات کشاورزی، مصالح ساختمانی، خودرو و انواع کالاهای مصرفی می‌شود، از طریق حواله‌های غیررسمی و یا سامانه‌های پایاپای که هیچ‌گونه شفافیتی نداشتند، تأمین مالی می‌شد. اما با جایگزینی «مسیر سبز» بانکی تحت نظارت مستقیم فدرال رزرو، هرگونه معامله‌ای که نتواند اسناد کاملاً معتبر گمرکی، فاکتور فروش و مجوزهای لازم را برای تأمین ارز مورد نیاز ارائه دهد، عملاً از گردونه تجارت رسمی خارج می‌شود. این تغییر، عملاً راه دور زدن تحریم‌ها را برای فعالان اقتصادی ایرانی که پیش‌تر از طریق شرکت‌های صوری یا واسطه‌های عراقی به ارز دسترسی داشتند، بسیار دشوار و پرهزینه ساخته است. نهادهای اطلاعاتی و مالی آمریکا، با بهره‌گیری از الگوریتم‌های پیشرفته ردیابی تراکنش‌ها، هرگونه تلاش برای قاچاق نفت ایران با استفاده از اسناد جعلی و هویت‌های پوششی عراقی را با دقتی مثال‌زدنی رهگیری کرده و با تحریم‌های سنگین و فوری پاسخ می‌دهند. یک نمونه بارز از این برخورد قاطع، در سال ۲۰۲٤ رخ داد، زمانی که وزارت خزانه‌داری آمریکا شبکه‌ای از شرکت‌های عراقی را به رهبری «سلیم احمد سعید» هدف تحریم قرار داد؛ این شرکت‌ها متهم شدند که با جعل اسناد حمل‌ونقل و گمرکی، میلیون‌ها بشکه نفت ایران را با هویتی جعلی به بازارهای جهانی صادر می‌کرده‌اند و درآمد حاصل از آن را در اختیار نهادهای نظامی ایران قرار می‌داده‌اند. این اقدامات، زنگ خطری جدی برای تمامی بازرگانان و شرکت‌های عراقی و ایرانی بود که نشان می‌داد دیگر نمی‌توانند از سایه روشن روابط سنتی تجاری، برای عبور از تحریم‌ها استفاده کنند.

با ورود به سال ۲۰۲٦ میلادی، چشم‌انداز این نبرد مالی تمام‌عیار، بیش از پیش روشن و قابل پیش‌بینی شده است. آمریکا، با اتخاذ رویکردی گام‌به‌گام و تدریجی، درصدد است تا با تقویت بنیه مالی بانک‌های متعهد و منزوی‌سازی کامل نهادهای متخلف، عراق را به سمت یک سیستم بانکی تمام‌شفاف و رصدپذیر سوق دهد. در این میان، حتی صدور مجوز برای واردات گاز و برق از ایران، که از دیرباز یکی از مسیرهای اصلی تأمین مالی ایران در عراق به شمار می‌رفت، با شروط بسیار سخت‌گیرانه‌ای همراه شده است. بر اساس این شروط، تمامی وجوه حاصل از فروش انرژی ایران به عراق، باید در حساب‌های محدود و بلوکه‌شده‌ای نزد بانک مرکزی عراق نگهداری شود و هرگونه نقل‌وانتقال آزادانه این وجوه، به شدت ممنوع اعلام گردیده است. این رویه، عملاً ایران را از دریافت ارز نقدی حاصل از صادرات انرژی خود به عراق محروم می‌کند و تنها امکان استفاده از این منابع را برای تأمین کالاهای اساسی انسانی مورد نیاز ایران، از طریق سازوکارهای پیچیده پایاپای، فراهم می‌آورد که آن نیز خود، نیازمند تأیید نهادهای نظارتی بین‌المللی است. در مقابل، عراق نیز به ناچار در حال انطباق با این واقعیت جدید است و گزارش‌های میدانی از بازار ارز این کشور، نشان می‌دهد که بسیاری از شرکت‌های بخش خصوصی که پیش‌تر به روش‌های غیررسمی و حاشیه‌ای برای تهیه دلار متکی بودند، اکنون به تدریج به رویه‌های رسمی و بانکی متمایل شده‌اند تا بتوانند از نرخ رسمی مطمئن‌تر و قابل اتکاتری بهره‌مند شوند و از خطر تحریم‌های احتمالی در امان بمانند.

در نتیجه، آنچه در بازار ارز عراق در حال رخ‌دادن است، هرگز نمی‌تواند صرفاً به عنوان یک تغییر فنی و رویه‌ای صرف در نظر گرفته شود؛ بلکه این رویداد، نمونه‌ای کامل و تمام‌عیار از یک جنگ اقتصادی مدرن به شمار می‌رود که در آن، سلاح‌ها، دفاتر بانکی و اهرم‌های فشار، مهمات هستند و هدف نهایی، بستن مسیرهای حیاتی بقای اقتصادی رقیب منطقه‌ای آمریکا، یعنی ایران، به شمار می‌رود. واشنگتن با درک عمیق این واقعیت که اقتصاد ایران به شدت به کانال‌های غیررسمی تأمین ارز از همسایگان خود وابسته است، تمامی توان مالی و اطلاعاتی خود را به کار گرفته تا با هدف‌گذاری دقیق همین نقاط آسیب‌پذیر، فشار تحریم‌ها را نه تنها حفظ، بلکه به طور روزافزونی، تشدید و تعمیق بخشد. انقلاب ارزی عراق، اگرچه با هدف اصلاح نظام مالی داخلی این کشور و مبارزه با فساد و پولشویی آغاز شد، اما به سرعت به ابزاری کارآمد در دست آمریکا تبدیل گردید تا معادلات مالی منطقه را به نفع خود بازتعریف کند. با این حساب، عراق امروز، بیش از هر زمان دیگری در تله وابستگی ارزی خود گرفتار آمده است و به جای آنکه بتواند به عنوان یک بازیگر مستقل اقتصادی در منطقه نقش‌آفرینی کند، به عرصه‌ای برای آزمون قدرت تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بدل شده است. و تا زمانی که ساختار درآمدهای نفتی عراق به فدرال رزرو گره خورده و وابستگی این کشور به سیستم مالی غرب، به این شکل ریشه‌دار ادامه یابد، به نظر نمی‌رسد که این روند، تغییری ماهوی پیدا کند و ایران، به زودی، ناچار خواهد بود به دنبال مسیرهای جایگزین، هرچند پرهزینه و پیچیده‌تر، برای عبور از این محاصره مالی جدید باشد.

آگهی

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو قم تصرفات مالکانه مفروزی متقاضیان پرونده های تشکیلی طبق قانون مذکور را براساس گزارش کارشناسان و به استناد مدارک موجود در پرونده به شرح آراء ذیل تایید نموده اند.

۱.رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۰۰۰۲۰۰۷۱۵۴ مربوط به پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۰۳۲۳۶ آقای / خانم لیلی حسنی به شناسنامه شماره ۲۱۹۷۶ کدملی ۰۳۸۱۶۸۶۰۵۱ صادره قم فرزند عزیزاله در ششدانگ قطعه زمین که بنا در آن احداث شده است به مساحت ۵۰ مترمربع پلاک شماره فرعی از ۲۳۰۳ اصلی واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم (مبایعه نامه عادی و مع الواسطه از بهروز صباحی ثابت در دفتر الکترونیکی ۱۴۰۱۲۰۳۳۰۰۰۲۰۰۷۰۰۵)

۲.رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۰۰۰۲۰۰۶۷۲۳ مربوط به پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۰۲۸۵۰ آقای / خانم زهرا زارعی به شناسنامه شماره ۵۷۰۷ کدملی ۰۳۸۴۷۰۶۱۴۲ صادره قم فرزند اکبر درششدانگ قطعه زمین که بنا در آن احداث شده است به مساحت ۵۴ مترمربع پلاک شماره ۳۵۱ فرعی از ۲۱۴۲ اصلی واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم (مبایعه نامه عادی و مع الواسطه از زهرا شوکتمداری در دفتر ۱۴۰ صفحه ۱۱۸)

۳.رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۰۰۰۲۰۰۷۲۵۱ مربوط به پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۰۲۲۳۲ آقای / خانم حاتمعلی صبری نیا به شناسنامه شماره ۷۳۴ کدملی ۶۱۴۹۷۳۱۷۲۳ صادره انگوران فرزند فرمانعلی در ششدانگ قطعه زمین که بنا در آن احداث شده است به مساحت ۱۲۰ مترمربع پلاک شماره فرعی از ۱۸۴۸ اصلی واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم (مبایعه نامه عادی و مع الواسطه از سید عباس موسوی حرمی طی تقسیم نامه رسمی شماره ۲۸۲۷۶ مورخ ۱۳۳۱/۰۷/۰۲ دفتر ۳ قم)

۴.رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۰۰۰۲۰۰۷۶۳۶ مربوط به پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۰۳۱۵۱ آقای / خانم علی فاضل حماملو به شناسنامه شماره ۴۷۷ کدملی ۴۲۸۲۹۹۳۰۵۷ صادره زنجان فرزند هیبت اله درششدانگ قطعه زمین که در آن بنا احداث شده است به مساحت ۱۰۸ مترمربع پلاک شماره فرعی از ۲۲۱۳ اصلی واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم (مبایعه نامه عادی و مع الواسطه از رضا اروری در دفتر ۲۳۳ صفحه ۳۳۱)

۵.رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۰۰۰۲۰۰۷۷۴۶ مربوط به پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۰۳۱۵۲ آقای / خانم امیرعلی بیگلری به شناسنامه شماره ۶۳۴ کدملی ۴۲۸۲۹۹۴۶۲۲ صادره زنجان فرزند قربانعلی در ششدانگ قطعه زمین که بنا در آن احداث شده است به مساحت ۱۱۷/۸۰ مترمربع پلاک شماره فرعی از ۳۱۲۳ اصلی (۲۲۰۹ مکرر اصلی) واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم (مبایعه نامه عادی و مع الواسطه از سید علی اکبر تولیتی در دفتر ۵ صفحه ۱۱۶)

۶.رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۰۰۰۲۰۰۷۶۷۷ مربوط به پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۰۰۱۲۶ آقای / خانم هادی بختیاری به شناسنامه شماره ۰ کدملی ۰۵۸۰۰۳۱۸۷۱ صادره تفرش فرزند فضل اله در سه دانگ از ششدانگ قطعه زمین که در آن بنا احداث شده است به مساحت ۱۰۶/۳۵ مترمربع پلاک شماره فرعی از ۱۷۵۷ اصلی واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم (مالکیت رسمی متقاضی طی سند قطعی شماره ۱۷۹۶۹۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۲۵ دفتر ۴ قم)

مورد تایید قرار گرفته و از آنجائیکه مقرر گردیده است پس از نشر آگهی و انقضاء موعد مقرر سند مالکیت رسمی صادر گردد با توجه به عدم دسترسی به مالکین مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه اشخاص ذینفع اعتراضی داشته باشند ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد منطقه دو قم تسلیم و رسید آن را اخذ و ظرف مدت یکماه پس از تسلیم اعتراض به اداره ثبت به دادگاه مراجعه و دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم و گواهی آنرا به این اداره تحویل نمایند لازم به توضیح است که صدور سند براساس قانون مذکور مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

شناسه آگهی : ۲۲۴۲۲۴۲

تاریخ نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ تاریخ نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۲۸

رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو قم-عباس پورحسنی

قوۀ قضائیه-سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
اداره کل محترم ارشاد اسلامی استان مازندران

متن آگهی قانون تعیین تکلیف به شرح ذیل جهت درج در یکی از روزنامه‌های محلی و کثیرالانتشار به حضور ارسال می گردد لذا خواهشمند است در هر یک از مواعد منتشره تعداد دو نسخه از روزنامه را با سربرگ آن اداره کل ارسال فرمایید. آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه شهرستان ساری منطقه یک-برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۰۱۰۰۸۵۷۹ مورخه ۱۴۰۴/۱۰/۲۸ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه یک ساری تصرفات مالکانه خانم شیوا آقائی‌مقدم فرزند قنبرعلی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر انباری به مساحت ۱۳۶/۶۰ مترمربع به پلاک ۴۱۰۷ فرعی ۳۳۹۷ فرعی از ۳۴۴۸ اصلی واقع در قریه استخرسر بخش یک ثبت ساری خریداری از مالک رسمی پس از کسر سهم وقف محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. کلاسه پرونده ۱۴۰۳/۶۸۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲

شناسه آگهی: ۲۲۲۵۳۹۵ عباس رحمت پور رکنی-رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شهرستان ساری

شیلات

تدوین طرح تحول شیلاتی در شمال کشور

در نشست بررسی طرح‌های راهبردی شیلات شمال کشور، معاون وزیر و رئیس سازمان شیلات ایران با تأکید بر لزوم بازنگری تخصصی در برنامه‌های کلان تولید، تصریح کرد که تمامی پروژه‌های توسعه‌ای باید با لحاظ پیوست‌های زیست‌محیطی، علمی‌سنجی دقیق و شفافیت کامل در سرمایه‌گذاری اجرایی شوند.

به گزارش اقتصادسرآمد، نشست بررسی «طرح تحول راهبردی فعالیت‌های دریامحور در استان‌های شمالی» با هدف برنامه‌ریزی برای تولید ۱۶۵ هزار و ۵۰۰ تن ماهی آزاد در قفس‌های دریایی، ۱۱ مردادماه سال جاری با حضور حمزه رستم‌پور، معاون وزیر و رئیس سازمان شیلات ایران، معاونان تخصصی سازمان، مدیرکل شیلات مازندران و جمعی از اساتید دانشگاهی برگزار شد.

حمزه رستم‌پور در این نشست با تأکید بر لزوم انطباق اهداف توسعه‌ای با واقعیت‌های زیستی دریای خزر، تصریح کرد: ظرفیت‌های اکولوژیک دریای خزر باید به‌طور دقیق علمی‌سنجی شود و با توجه به جایگاه بی‌نظیر ماهیان خاویاری در شمال کشور، تحقیقات دانشگاهی در این حوزه بیش از پیش توسعه یابد. وی بازسازی ذخایر آبزی را از وظایف حاکمیتی سازمان دانست و افزود: ما به دنبال تدوین یک برنامه جامع و مدون هستیم تا پس از رفع نواقص و آسیب‌شناسی‌های لازم، با مشارکت سرمایه‌گذاران توانمند و بهره‌گیری از دانش روز، پروژه‌ها را با شفافیت کامل به مرحله اجرا برسانیم.

در ادامه این جلسه، مهدی شکوری، معاون توسعه آبزی‌پروری سازمان با اشاره به ظرفیت تولید ۲۰۰ هزار تن ماهی در قفس در دریای خزر، تحقق این هدف را نیازمند آسیب‌شناسی برنامه‌های گذشته و تدوین نقشه راه عملیاتی برای گونه‌های مختلف دانست و تأکید کرد که توسعه قفس باید با لحاظ الزامات زیست‌محیطی، زیرساخت‌های صادراتی و معیشت جامعه صیادی همراه باشد.

معاون برنامه‌ریزی و مدیریت منابع سازمان، توسعه شیلات را بدون هماهنگی فرابخشی غیرممکن خواند و ضمن استقبال از ایجاد «پارک علم و فناوری شیلاتی»، آن را منوط به مکان‌یابی دقیق و مطالعات فنی دانست. عیسی گلشاهی، بر مدیریت یکپارچه زنجیره ارزش، تجمیع واحدهای کوچک و ارتقای تاب‌آوری در برابر تغییرات اقلیمی به‌عنوان راهکارهای اصلی پایداری صنعت تأکید کرد.

در پایان این نشست و پس از استماع نظرات کارشناسی، مقرر شد طرح تحول شیلاتی با در نظر گرفتن تمامی ملاحظات فنی و تخصصی مورد بازنگری قرار گیرد. بر اساس مصوبات این جلسه، گنجاندن پرورش میگو در طرح، لحاظ کردن دقیق بخش صید و صیادی و همچنین تدوین پیوست‌های زیست‌محیطی در سند نهایی الزامی است. این طرح پس از اصلاح نواقص و تجمیع نظرات بخش‌های مختلف، به‌صورت تخصصی در نشست‌های آتی برای بررسی نهایی ارائه خواهد شد

صید بیش از ۳۸۶ هزار تن انواع آبزیان در استان هرمزگان

استان هرمزگان با ثبت ۳۸٦ هزار و ۵۹٤ تن صید، حدود ۵۰ درصد از کل صید جنوب کشور، جایگاه نخست تولید و تأمین آبزیان کشور را در بخش صید به خود اختصاص داده است.

به گزارش اقتصادسرآمد، مدیرکل شیلات هرمزگان با اعلام این مطلب گفت: این موفقیت با کمترین نرخ صید غیرمجاز (۳٤/۱ درصد) در میان استان‌های جنوبی کشور به دست آمده که نشان‌دهنده مدیریت موفق شیلاتی و حرکت در مسیر صید مسئولانه و پایدار است. مسعود بارانی افزود: از مجموع صید انجام شده در استان، بیش از ۱۳۷ هزار تن آبزیان سطح‌زی ریز، بالغ بر ۱۲۸ هزار تن آبزیان کف‌زی، بیش از ۱۱۸ هزار تن آبزیان سطح‌زی درشت و نزدیک به سه هزار تن میگو و سایر آبزیان صید و تخلیه شده است که نشان‌دهنده تنوع و ظرفیت بالای ذخایر آبزی استان است. لازم به ذکر است هرمزگان با برخورداری از بزرگ‌ترین جامعه صیادی و طولانی‌ترین نوار ساحلی، نقشی محوری در امنیت غذایی و اقتصاد دریامحور کشور ایفا می‌کند